

# پیشوایان بزرگ ما

محمد مجتهدی بشتري

## حادثه کربلا

### ونقش شخصیت امام حسین (ع)

با فرارسیدن ماه محرم بار دیگر خاطره يك قيام مقدس در قلب مسلمانان تجدید میشود قیامی که بدنبال آن انقلاب عظیمی رخ داد و این انقلاب سراسر جامعه اسلامی را به نفع هدفهای امام حسین (ع) در خود غرق نمود .

در هر حادثه بزرگ تاریخی عوامل اساسی وجود دارد که حادثه بیش از هر چیز از آن الهام میگیرد و به اصطلاح: آفریننده هر حادثه تاریخی و آنچه بدان عظمت میبخشد و عوامل معینی است ، باید این عوامل را در هر حادثه پیدا نمود و همه تحولات حادثه را بآن ارتباط داد .

پس از قیام فداکارانه و خونین حسین (ع) نهضت و انقلاب مهمی در جامعه اسلامی بوجود آمد نهضتی که ظاهراً هدفش از میان بردن حکومت بنی امیه و باطناً بر انداختن هر نوع بساط استم- پروری از جامعه اسلامی بود ، نهضتی که میخواست جامعه را از انحراف از مدار حق و عدالت پسوی شخص پرستی یا خاندان پرستی بازدارد و گردوغباری را که بر سیمای واقعی اسلام نشسته و آنرا تیره و تار کرده بود پاک کند .

میخواهیم بدانیم در پیدایش این حادثه نقش اساسی و اصلی مربوط به چه عواملی بوده است ؟ کدام حقیقت بود که به قیام حسین يك صورت آسمانی داد و اثر عجیب آنرا در سراسر نقاط جامعه پهنوار اسلامی منتشر ساخت ؟ چرا قیام حسین وضع فکری جامعه را باسانی و سرعت عوض کرد ؟ چرا حادثه ای که آغاز تا پایان آن شاید بیش از چندماه نبود توانست پایه های حکومتی را که تقریباً هزارامه بطول انجامید کاملاً متزلزل و سست کند و برای همیشه دوران حکومت اموی را در اوراق سیاه و ننگین تاریخ جای دهد ؟ پاسخ دادن باین چراها تجزیه و تحلیلی از يك حادثه

بزرگه اسلامی است که با توجه بنوع مشکلات امروز جامعه‌های اسلامی و چاره‌های آن بسیار آموزنده و مفید بنظر میرسد.

قبلا باید بیک حقیقت مهم اجتماعی توجه کنیم: جامعه‌ها در طی تکامل خود مراحل مختلفی را پشت سر می‌گذارند، و با مشکلات و مسائل گوناگون مواجه میشوند، همین امروز هر کدام از جامعه‌های توسعه یافته و نیافته با مشکلات خاصی روبرو هستند و هر کدام برای چاره‌آرایی را در پیش گرفته‌اند، در میان مشکلات گوناگون يك اجتماع، مسئله فقر شخصیت‌های برجسته، بسیار قابل توجه است، جوامعی هستند که تنها در در آنها نبودن شخصیت‌های فوق‌العاده است. بدبختی‌های اینها از اینجاست که در میان آنها افرادی که از نظر روحی و نیروهای معنوی و فکری بتوانند بر وضع موجود و غلط اجتماع بشورند و آنرا زیر و رو سازند تربیت نمیشوند. در حالیکه در اغلب جامعه‌های عقب مانده و توسعه نیافته هر گونه تحولی فقط بوسیله چنین افرادی امکان پذیر است.



پس از توجه باین حقیقت نگاهی بجامعه نوظهور اسلامی میکنیم: جامعه اسلامی در سرزمین حجاز بوجود آمده بود، سرزمینی که در آنجا از رشد فکری که میتواند جان‌نشین شخصیت‌های برجسته در تحول اجتماعی شود خبری نبود، در آنجا نقش مهم مربوط به افراد فوق‌العاده ای بود که از ادب و فصاحت بهره فراوان داشتند و گاهی با گفتن چند شمر وضع يك شهر یا قبیله ای را منقلب می‌ساختند.

شخصیت‌های فوق‌العاده ادب و فصاحت در عربستان بسیار محترم بودند، اما احترام زیاد آنها تنها بخاطر دانشمندی آنان نبود، باین جهت بود که آنها میتوانند منشأ تحول و انقلاب شوند، میتوانند با نیروی فصاحت دشمنی‌های دیرینه میان دو قبیله را از میان بردارند و میتوانند میان دو قبیله صمیمی عداوت و دشمنی آتشینی بوجود آورند. اشعار آنها در مواقع جنگ بزرگترین قدرت تحریکی قبایل بود.

در چنین محیطی شخصیت فوق‌العاده برجسته پیاپی بر اسلام در پیشرفت اسلام مهمترین نقشها را داشت، آنحضرت بود که میتواند علی‌رغم همه و انواع موجود با امتیازات روحی و اخلاقی و سیاسی خود با حسن تدبیر و حزم و دوراندیشی و قاطعیت و سرعت عمل خود، جامعه نوینی را بوجود بیاورد و بان قدرت تحرک و پیشروی بیخشد، قرآن کریم در مواردی به تأثیر فوق‌العاده شخصیت خاص آنحضرت در پیشرفت اسلام اشاره فرموده است: (۱)

(۱) تو دارای اخلاق بسیار بزرگ و شایسته‌ای هستی (سوره قلم آیه ۴)  
اگر تندخوی و سنگدل بودی مردم از دور تو پراکنده میشدند. (آل عمران آیه ۱۵۹)

بدین ترتیب جامعه اسلامی در پیشرفت خود هماهنگ و متوازن و متین قرآن الهام می‌گرفت از شخصیت فوق‌العاده پیامبر اکرم هم‌الهام می‌گرفت، این احتیاج شدید جامعه به رهبران برجسته بود که ایجاب نمود آنحضرت برای پس از خود علی علیه السلام را که از یک شخصیت روحی فوق‌العاده بهره‌مند بود بجا نشینی انتخاب کند، تنها راهی که جامعه اسلامی را از پراکندگی و تشتت باز میداشت همین راه بود.

با این متمدنات به این اصل نزدیک می‌شویم که: جامعه اسلامی همواره تحت تأثیر شخصیتهای برجسته بود و در این میان خاندان پیامبر اکرم عالیترین و ظاهر عواطف و احساسات و هدف هر نوع تأملات اخلاقی و مذهبی مردم بودند. این خاندان بر حسب سابقه‌ای که در اسلام داشت بجهت فداکاریها و جان‌فانیهاییکه در راه نشر توحید نموده بود در میان مردم فوق‌العاده محترم بود و روش و رفتار این خاندان میزان حق و حقیقت بشمار می‌آمد، خصوصاً در حجاز که از دایره تبلیغات معاویه خارج بود این خاندان عالیترین نمونه تربیت اسلامی بشمار می‌رفتند؛ مردم عقیده داشتند هیچ خاندانی حقیقت اسلام را مانند اینها نشناخته و هر روشی که آنها در برابر مسائل مهم اجتماع داشته باشند همانست که اسلام آنرا می‌پسندد، خلاصه حرکت و سکون این خاندان معیار هر گونه حق و باطل بود.

با توجه به اینکه اسلام در حجاز ظهور نموده و بیشتر یاران پیامبر اکرم در این سرزمین بودند همواره حجاز به دایره اصلی اسلام بشمار می‌رفت و افکار حجاز بود که می‌توانست بحکومتی ارزش قانونی و اسلامی بدهد یا حکومتی را از نظر فکری متمزلزل گرداند، هیچ حکومتی بدون موافقت فکری حجاز استحكام قانونی بخود نمی‌گرفت. به همین جهت بود که حکومت اوسیه هرگز از نظر فکری و قانونی تثبیت نشد و خلفاء اوسیه همواره مجبور بودند حجاز را بخود واگذارند و در آنجا از زندگی مردم فاصله بگیرند.

\* \* \*

در حدود سالهای ۶۰ و ۶۱ هجری کانون تمرکز عواطف و احساسات مسلمان حجاز شخصی جز حسین بن علی (ع) نبود؛ او یادگار پیامبر اکرم بود، بهترین فرد تربیت شده اسلام و صمیمی‌ترین دلسوز آن بشمار می‌رفت.

سوابق اخلاقی و روش اجتماعی آنحضرت محبت و وی را در اعماق دلها نفوذ داده بود و فریاد بود که پس از وفات حضرت امام مجتبی مردم از نظر خلافت بدو چشم دوخته بودند زیرا ماده‌ای در صلحنامه امام مجتبی و معاویه بود که قهرآ حسین را در معرض خلافت قرار میداد. آن ماده این بود که

عهدنامه صلح تاروژی ارزش دارد که معاویه در حال حیات است و پس از فوت وی این عهدنامه اعتباری ندارد و مسلمانان بهر آنچه وظیفه شان ایجاب کند عمل خواهند کرد. بدین ترتیب مرکز معاویه حرکت جدیدی در جامعه حجاز بوجود آورده بود و مردم انتظار داشتند حسین (ع) زمام خلافت را بدست بگیرد.

شخصیت خاص حسین بن علی و نفوذ معنوی عجیبی که او در سراسر حجاز داشت باو چنان قدرتی داده بود که میتوانست با قیام خود در برابر حکومت اموی انقلاب لازم را پدید آورد.

نهضت و انقلابی که پس از حسین بوجود آمد از شخصیت خاص حسین علیه السلام الهام میگرفت. هیچ فرد دیگری هر اندازه هم فداکاری میکرد موج و حرکتی را که حسین (ع) در اجتماع اسلامی پدید آورد نمیتوانست پدید بیاورد.

کشته شدن هیچ انسانی اینهمه شور و غوغا بپا نمیگرد و اسارت هیچ خاندانی جز خاندان پیامبر اکرم آنهمه رسوائی و بیچارگی برای حکومت اموی بیار نمی آورد، بدین ترتیب عظمت قیام حسین (ع) بر دو اصل، استوار بود: یکی فداکاری و جان نثاری فوق العاده ای که او از خود نشان داد و دیگری آن شخصیت بسیار برجسته ای که وی داشت و باین فداکاری مقدس جلوه و عظمت خاصی می بخشید.

و بر اثر همین شخصیت بود که در سراسر حجاز قیام امام حسین قیام پیامبر اکرم (ص) حساب میشد و در نتیجه حکومت اموی درست در نقطه مقابل اسلام قرار میگرفت و همه گونه اصالت و ارزش خود را از دست میداد!

این قیام بدست حسین علیه السلام واقع شد و برای حکومت اموی آنچنان مشکلی ایجاد کرد که هرگز چاره نشد، مسئله موقعیت و نقش بنی هاشم در جامعه اسلامی از روز قیام امام حسین (ع) وارد مرحله تازه ای شد؛ این خاندان همواره برای حکومت های جائز و ستمکار وقت بزرگترین دردسرو مانع موفقیت گشته بودند و نطفه این نقش و موقعیت خاص از روز قیام امام سوم بسته شده بود.

اینچنین بود نقش شخصیت خاص حسین بن علی در نهضتیکه بپا کرد. امروز هم جامعه های اسلامی بیش از هر چیز نیازمند شخصیت های برجسته ای هستند که وضع موجود و غلط فعلی این جامعه را اصلاح کنند و طرحی از نو بریزند.